

در آداب پژوهش و نگارش فلسفی

یک مشت نصیحت

درباره‌ی موضوع الف از نظر ب ننویسید

ارزیابی دیدگاه ولترستورف درباره مبانی فلسفه تحلیلی دین

چکیده

نیکولاس ولترستورف، فیلسوف تحلیلی دین معاصر، در مقاله‌ی «فلسفه‌ی تحلیلی دین؛ گذشته و آینده‌ی آن» به بیان مبانی اصلی فلسفه‌ی تحلیلی دین معاصر پرداخته است که بسط مفاد آن مقاله، مبنای کار این پایان‌نامه بوده است. فلاسفه‌ی قاره‌ای در سه مورد، باور به امکان حصول شناخت خدا، درک خاص از معرفت‌شناسی و واقع‌گرایی فلسفه‌ی تحلیلی را به تخطی از مبانی خود متهم می‌سازند می‌دانند. ولترستورف در پاسخ، این سه را نه تنها از معایب فلسفه تحلیلی نمی‌داند بلکه به گمان او، اینها از جمله محاسن و ویژگی‌های اساسی فلسفه‌ی تحلیلی دین هستند و به‌تبیین دیدگاه خود در مورد این مبانی می‌پردازد.

او ویژگی نخست را مرهون آراء لاک می‌داند و معتقد است که فلاسفه‌ی تحلیلی دین در این خصوص وام‌دار نگاه لاک در معرفت‌شناسی و تبیین وی از عقلانیت هستند که طبق آن، انسان می‌تواند با استفاده از عقل خویش، خدا را بشناسد. ویژگی دوم فلسفه تحلیلی دین یعنی معرفت‌شناسی خاص ایشان، که امروزه آن را به‌نام معرفت‌شناسی اصلاح‌شده می‌شناسیم و خود وی و پلانتینگا و آلستون از پیشگامان آن هستند، دو جهت سلبی و ایجابی دارد که در وجه سلبی آن، قرینه‌گرایی برآمده از نظریه‌ی لاک را رد می‌کنند و در وجه ایجابی آن، باورهای دینی را در زمره‌ی باورهای پایه و بی‌واسطه قرار می‌دهند. ویژگی سوم، باور به واقع‌گرایی است که ولترستورف آن را مدیون مجادلات سازنده‌ی راسل و مور با ایده‌آلیست‌های بریتانیایی و افول پوزیتیویست‌های منطقی می‌داند که اولی به واقع‌گرایی ایشان و دومی به باور آنان به متافیزیک کمک رساند. در این دوره، مسئله معناداری و بی‌معنایی زبان دینی جای خود را به مباحث معرفت‌شناسانه داد و فیلسوفان تحلیلی دین به ارائه و ارزیابی مباحث متافیزیکی مانند صفات خدا و یا براهین خداشناسی روی آوردند.

در رهیافت ولترستورف به فلسفه‌ی تحلیلی دین باید این نکته را مطمح‌نظر قرار داد که نگاه او نسبت به این سنت نگاهی روایی است و معتقد است که در میان فلاسفه‌ی تحلیلی نمی‌توان مجموعه عقاید مشترکی را یافت که همگی در آن سهیم باشند بلکه هویت فلسفه تحلیلی تنها در توجه به تطور تاریخی آن، یعنی روایتی که از فرگه، راسل و مور آغاز می‌شود و تا زمان ما ادامه می‌یابد و مسائلی که بر سر آن بحث کرده‌اند، درک می‌شود.

واژگان کلیدی

فلسفه‌ی تحلیلی دین، فلسفه‌ی تحلیلی، نگاه روایی، معرفت‌شناسی اصلاح‌شده، واقع‌گرایی

فلسفه دین فمینیستی با تمرکز برآراء خانم اندرسون در باب سه موضوع مهم اعتقادی,عقلانیت و اراده

چکیده:

فلسفه دین فمینیستی به عنوان رشته ای نوین و رویه رشد در اندیشه‌غرب، با هدف نقد، بازتعریف و بازسازی فلسفه دین در پرتو مطالعات جنسیت پدید آمده است. این شاخه فلسفی، به جهت ارائه فهمی انتقادی از دین به عنوان نهادی که نقش‌های جنسیتی را تعریف می کند وگهگاه، به چالش می کشد،از اهمیت مشابهی برای فلسفه فمینیستی و غیر فمینیستی برخوردار می باشد ودر نتیجه پژوهش در این باب دارای ضرورت فلسفی است .همچنین پاملا اندرسون به عنوان یکی از اصلی ترین شخصیت های این جریان فلسفی ، فلسفه دینی را معرفی می نماید که علاوه بر داشتن مضامین فلسفی مستقل ، توصیف این شاخه فلسفی را به درستی ممکن می سازد ، لذا این نوشتار با پرسش اصلی بررسی فلسفه دین فمینیستی با محوریت آراء اندرسون، مسائل دیگری نظیر بسترهای تاریخی این رشته ، برخی موضوعات و مسائل فلسفه دین فمینیستی ، فلسفه دین پیشنهادی اندرسون و مبادی معرفت شناسانه و فلسفی آن را مورد توجه قرار می دهد و این نتیجه را حاصل می نماید که فلسفه دین فمینیستی،متاثر از فلسفه قاره ای وتاریخچه فکری فمینیسم می باشد.این شاخه،مولفه های نوینی را نظیر، بدنمندی، تخیل،نظم زبانی پیشنهاد می کند و پاملا اندرسون به مدد برخی از همین عناصر ومسائل دیگری نظیر اسطوره، حسرت ومعرفت شناسی دیدگاه، فلسفه دین تکمیلی را مطرح می‌سازد که ارزیابی آن مستلزم توجه به اندیشه سکولار و اومانیستی غرب، فلسفه های پست مدرن و معرفت شناسی های فمینیستی می باشد.

واژگان کلیدی:

فلسفه دین فمینیستی، پاملا سو اندرسون،معرفت شناسی فمینیستی، بدنمندی، میل ،امرخیالی

علوم اجتماعی

پایان نامه

بازخوانی انتقادی مفهوم فرهنگ ناسرکوبگر در اندیشه مارکوزه از منظر حکمت صدرایی

کارشناسی ارشد | دفاع شده | 1398

علوم اجتماعی

پایان نامه

بررسی انتقادی نسبت لذت و فرهنگ در اندیشه دورکیم از منظر آیت الله مصباح یزدی

کارشناسی ارشد | تصویب موضوع | 1400

علوم اجتماعی

پایان نامه

بررسی انتقادی استعاره بازل به مثابه فهم پیکربندی های پویایی جامعه انسانی در آراء نوربرت الیاس از منظر حکمت متعالیه

کارشناسی ارشد | تصویب موضوع | 1401

مساله داشته باشید

ارزیابی دیدگاه ولترستورف درباره مبانی فلسفه تحلیلی دین

چکیده

نیکولاس ولترستورف، فیلسوف تحلیلی دین معاصر، در مقاله‌ی «فلسفه‌ی تحلیلی دین؛ گذشته و آینده‌ی آن» به بیان مبانی اصلی فلسفه‌ی تحلیلی دین معاصر پرداخته است که بسط مفاد آن مقاله، مبنای کار این پایان‌نامه بوده است. فلاسفه‌ی قاره‌ای در سه مورد، باور به امکان حصول شناخت خدا، درک خاص از معرفت‌شناسی و واقع‌گرایی فلسفه‌ی تحلیلی را به تخطی از مبانی خود متهم می‌سازند می‌دانند. ولترستورف در پاسخ، این سه را نه تنها از معایب فلسفه تحلیلی نمی‌داند بلکه به گمان او، اینها از جمله محاسن و ویژگی‌های اساسی فلسفه‌ی تحلیلی دین هستند و به‌تبیین دیدگاه خود در مورد این مبانی می‌پردازد.

او ویژگی نخست را مرهون آراء لاک می‌داند و معتقد است که فلاسفه‌ی تحلیلی دین در این خصوص وام‌دار نگاه لاک در معرفت‌شناسی و تبیین وی از عقلانیت هستند که طبق آن، انسان می‌تواند با استفاده از عقل خویش، خدا را بشناسد. ویژگی دوم فلسفه تحلیلی دین یعنی معرفت‌شناسی خاص ایشان، که امروزه آن را به‌نام معرفت‌شناسی اصلاح‌شده می‌شناسیم و خود وی و پلانتینگا و آلستون از پیشگامان آن هستند، دو جهت سلبی و ایجابی دارد که در وجه سلبی آن، قرینه‌گرایی برآمده از نظریه‌ی لاک را رد می‌کنند و در وجه ایجابی آن، باورهای دینی را در زمره‌ی باورهای پایه و بی‌واسطه قرار می‌دهند. ویژگی سوم، باور به واقع‌گرایی است که ولترستورف آن را مدیون مجادلات سازنده‌ی راسل و مور با ایده‌آلیست‌های بریتانیایی و افول پوزیتیویست‌های منطقی می‌داند که اولی به واقع‌گرایی ایشان و دومی به باور آنان به متافیزیک کمک رساند. در این دوره، مسئله معناداری و بی‌معنایی زبان دینی جای خود را به مباحث معرفت‌شناسانه داد و فیلسوفان تحلیلی دین به ارائه و ارزیابی مباحث متافیزیکی مانند صفات خدا و یا براهین خداشناسی روی آوردند.

در رهیافت ولترستورف به فلسفه‌ی تحلیلی دین باید این نکته را مطمح‌نظر قرار داد که نگاه او نسبت به این سنت نگاهی روایی است و معتقد است که در میان فلاسفه‌ی تحلیلی نمی‌توان مجموعه عقاید مشترکی را یافت که همگی در آن سهیم باشند بلکه هویت فلسفه تحلیلی تنها در توجه به تطور تاریخی آن، یعنی روایتی که از فرگه، راسل و مور آغاز می‌شود و تا زمان ما ادامه می‌یابد و مسائلی که بر سر آن بحث کرده‌اند، درک می‌شود.

واژگان کلیدی

فلسفه‌ی تحلیلی دین، فلسفه‌ی تحلیلی، نگاه روایی، معرفت‌شناسی اصلاح‌شده، واقع‌گرایی

فلسفه دین فمینیستی با تمرکز برآراء خانم اندرسون در باب سه موضوع مهم اعتقادی,عقلانیت و اراده

چکیده:

فلسفه دین فمینیستی به عنوان رشته ای نوین و رویه رشد در اندیشه‌غرب، با هدف نقد، بازتعریف و بازسازی فلسفه دین در پرتو مطالعات جنسیت پدید آمده است. این شاخه فلسفی، به جهت ارائه فهمی انتقادی از دین به عنوان نهادی که نقش‌های جنسیتی را تعریف می کند وگهگاه، به چالش می کشد،از اهمیت مشابهی برای فلسفه فمینیستی و غیر فمینیستی برخوردار می باشد ودر نتیجه پژوهش در این باب دارای ضرورت فلسفی است .همچنین پاملا اندرسون به عنوان یکی از اصلی ترین شخصیت های این جریان فلسفی ، فلسفه دینی را معرفی می نماید که علاوه بر داشتن مضامین فلسفی مستقل ، توصیف این شاخه فلسفی را به درستی ممکن می سازد ، لذا این نوشتار با پرسش اصلی بررسی فلسفه دین فمینیستی با محوریت آراء اندرسون، مسائل دیگری نظیر بسترهای تاریخی این رشته ، برخی موضوعات و مسائل فلسفه دین فمینیستی ، فلسفه دین پیشنهادی اندرسون و مبادی معرفت شناسانه و فلسفی آن را مورد توجه قرار می دهد و این نتیجه را حاصل می نماید که فلسفه دین فمینیستی،متاثر از فلسفه قاره ای وتاریخچه فکری فمینیسم می باشد.این شاخه،مولفه های نوینی را نظیر، بدنمندی، تخیل،نظم زبانی پیشنهاد می کند و پاملا اندرسون به مدد برخی از همین عناصر ومسائل دیگری نظیر اسطوره، حسرت ومعرفت شناسی دیدگاه، فلسفه دین تکمیلی را مطرح می‌سازد که ارزیابی آن مستلزم توجه به اندیشه سکولار و اومانیستی غرب، فلسفه های پست مدرن و معرفت شناسی های فمینیستی می باشد.

واژگان کلیدی:

فلسفه دین فمینیستی، پاملا سو اندرسون،معرفت شناسی فمینیستی، بدنمندی، میل ،امرخیالی

Faith as a Process: On Reconciling Faith and Doubt

Del Rosario, John Paul Y. . The University of Nebraska - Lincoln ProQuest Dissertations Publishing, 2023. 30426992.

Full text - PDF

Preview - PDF

Abstract/Details

Discovery Tips - Dissertations Demystified

Abstract

Translate

There seems to be a growing consensus among philosophers of religion that Christian faith is compatible with doubt. In this dissertation, I posit some ways to conceive of such reconciliation. My general proposal is to construe faith as a kind of process—i.e., faith is something that grows in the person who has it. This process model applies to the cognitive dimension of faith too. In the first paper, I draw inspiration from the literatures on epistemic virtues. I maintain that faith, as an intellectual virtue, is congenial to the aim of securing firm belief—a cognitive state that seems to be endorsed as an ideal, if not a norm in the Christian tradition. Under this view, doubt can be compatible with faith if it is seen as a stage in the process of securing belief. From this suggestion, I then attempt to reconcile the conflicting claims of those who say that faith entails belief and those who argue otherwise. In the second paper, I focus on the cases of serious doubt - the kind of doubt that seems to be commensurate with disbelief. Considering the standards of substantive and structural theories of rationality, I argue that one is not being irrational for maintaining faith despite experiencing serious doubts. However, I also posit that, diachronically, it would be ideally rational for her to aspire for doxastic faith given the latter's normative status. In the third paper, I consider the place of suspending judgment towards p (which is also doubt) in faith. I argue that such kind of doubt is not "sinful" if it were taken as a process whereby one is considering carefully and responding properly to the incommensurability of reasons involved.

Less

Categories We (Aim to) Live By

Dembroff, Robin A. Princeton University ProQuest Dissertations Publishing, 2017. 10288487.

Full text - PDF

Preview - PDF

Abstract/Details

89 References

13k Documents with shared references

Discovery Tips - Dissertations Demystified

Abstract

Translate

We want to know who should be counted as belonging to various social categories. Who should be counted as black? ...as a woman? ...as gay? In both everyday and academic contexts, it is widely assumed that these questions turn on metaphysical analyses of what makes someone black, a woman, and so on. That is, it is assumed that we should count someone as (e.g.) a woman just in case they satisfy sufficient conditions for having the property *woman*.

My dissertation argues that this assumption is wrong: whether someone should count as a woman turns not on whether they satisfy the correct *metaphysical* analysis of what it is to be a woman, but on *political* and *ethical* considerations about how we ought to treat each other.

I begin by examining the case of gender, and argue that looking to metaphysical theories of gender to settle questions about who should be counted as a man or a woman misses the point. What matters for determining ethical gender ascriptions are normative questions about how we ought to treat others, and not facts about who is a man or a woman. From here, I develop an important theoretical upshot of this view: that there can be metaphysical truths the assertion of which tends to both implicate and reinforce social injustices. These truths highlight places where we can both critique and improve our social categories. In my final chapter, I apply this method to sexual orientation. There, I argue that common understandings of sexual orientation are metaphysically ambiguous and ethically problematic, and I propose a novel and revisionary account of sexual orientation.

ادعا داشته باشید

صدای شما باید شنیده شود

آنچه دربارهٔ آن پژوهش خواهم کرد دربارهٔ ارزش انسان و مسئلهٔ کشتن خواهد بود. به این معنا که از نظر اخلاقی چه چیزهایی به انسان ارزش می‌دهند که ما از نظر اخلاقی مجاز به کشتن یک انسان نباشیم و اینکه از نظر اخلاقی و روانشناسی انسان چه تفاوتی با حیوان دارد که بین انسان و حیوان ما این اجازه را به خود می‌دهیم تا حیوان را بکشیم و انسان کشته نشود. در این پژوهش به سراغ این خواهم رفت که چه ملاکهای اخلاقی مشخص میکنند ما بین دو انسان مجازیم کدام را بکشیم و کدام را نکشیم و همچنین مشخص خواهم کرد بین انسان سالم و انسانی که مشکل شناختی دارد و یک حیوان از نظر اخلاقی، کشتن کدام صحیح است و کلا ما با چه ملاکهای اخلاقی مجازیم کسی را بکشیم.

Rationality and oppression: A defence of the obligation to resist oppression

Hay, Carol. The Ohio State University ProQuest Dissertations Publishing, 2008. 3338573.

Full text - PDF

Preview - PDF

Abstract/Details

150 References

36k Documents with shared references

Discovery Tips - Dissertations Demystified

Abstract

Translate

In this dissertation, I argue that people who are oppressed have an obligation to resist their own oppression. While this argument is intended to hold for all people who are oppressed, I focus specifically on the obligation that women have to resist sexist oppression. I argue that this obligation is an instance of a larger species of obligation: to respect and protect some morally important feature or features of persons. In particular, I argue that Kant's notion of humanity captures these morally important features of persons and that his arguments for the claim that humanity must be respected can be used to show that there is an obligation to protect one's rational nature. I give an account of how oppression can harm people's rational nature and show how resisting oppression is an instance of fulfilling the obligation to respect and protect one's rational nature. And I emphasize how the obligation to protect rational nature applies in a special way to one's own rational nature and thus that the obligation to resist one's oppression is an obligation to the self.

Details

Subject Philosophy

جمله اول: ادعا، اول‌شخص مفرد
ادعای ایجابی

Causation in the Social World

Hu, Lily. Harvard University ProQuest Dissertations Publishing, 2022. 29206829.

Full text - PDF

Preview - PDF

Abstract/Details

Discovery Tips - Dissertations Demystified

Abstract

Translate

Causation and causal claims abound in the social world as much as in the natural world. But a dominant theory of causation, prevalent among philosophers of causation and scientists who pursue causal inquiry, an interventionist theory of causation, is flawed when applied to cases of social causation. Or so I argue. I pursue in this dissertation various challenges to interventionist analyses of social causation: In Chapter 1, I argue directly against a causal structure of the social world limned by interventionism. I claim in Chapter 2 that causal theorizing about social categories such as race involves ineliminable substantive moral and political considerations, a feature for which interventionism cannot well account. In Chapter 3, I turn to discuss the distinctively normative set of issues with adopting a certain kind of interventionism-based causal analysis of discrimination. My suggestion is that these normative upshots make for a strong practical case against the interventionist causal account of discrimination. If I am right in my arguments throughout these chapters, interventionism is not well-suited to the explanatory and normative aims of our causal theorizing. Thus, if the interventionist idea does in fact undergird many of the ways we pursue causal inquiry about the social world, then such practices should either be revised or perhaps even be abandoned.

Less

ادعای سلبی

مخالف خود را احمق فرض نکنید

از سوی دیگر، با آسیاب‌بادی هم مبارزه نکنید!

بررسی انتقادی استدلال
گونه‌پرستی پیتر سینگر در حقوق حیوانات

گونه‌پرستی را به‌مثابهٔ نژادپرستی دانستن، در حقیقت، مطرح‌کردن یک شبه‌دلیل به جای دلیل است؛ چون در نژادپرستی دلیلی بر نگاه متفاوت وجود ندارد و تنها تفاوتِ دو نژاد، همان خصوصیت نژادی‌است که دلیلی موجهی بر ترجیح یک نژاد بر نژاد دیگر به شمار نمی‌آید؛ اما در تفاوت دو گونه، سخن از تمایز واقعی‌است؛ به عبارت بهتر، اگر بین دو گونهٔ انسان و حیوان، تفاوتِ جدی وجود نمی‌داشت، حق با سینگر بود و نگاه متفاوت به این دو نوع، نادرست می‌بود؛ اما اگر این تفاوت، به‌طور جدی مطرح باشد، این تفاوت در نگاه اشکالی نخواهد داشت و شواهدی زیادی بر تفاوت اساسی گونهٔ انسان با حیوان وجود دارد. انسان دارای صفات

ویژه‌ای‌است که برتری او از حیوان را رقم می‌زند؛ مانند مسئولیت‌پذیری انسان بر اعمال خود، قدرت بر تلافی رفتارها، نوع‌دوستی، فهم استدلال و اقناع‌شدن در برابر آن (Steinbock, 1978: 3). گرچه ممکن است حیوانات درصدی از این صفات را داشته باشند، اما سطح آن بسیار محدودتر از انسان است. انسان، کمال‌پذیر و دارای رشد اخلاقی‌است، حق‌جو، حق‌گوست و

خیری در تعمیم‌های گلوگشاد نیست

و نه در ادعای بدون استدلال!

باری، در دوران مدرن دو نظریه دیگر یعنی پیامدگرایی (consequentalism) و تکلیف‌گرایی(deontological ethics) تا حدود زیادی باعث به حاشیه رفتن اخلاق فضیلت بنیاد (virtue based ethics) افلاطونی و ارسطویی، شدند. در پیامد گرایی اخلاقی ارزش در گرو سیرتی که عمل از آن برمی‌خیزد نیست، بلکه ارزش هر عمل در گرو خوب بود نتایج آن است. [۳] در تکلیف‌گرایی ارزش اعمال نه در نتیجه و نه در سیرت و طبیعت فاعل که در عملیست که به انگیزه ادای تکلیف صورت می‌گیرد.

این نظریات اخلاقی گرچه تفاوتهای بنیادینی با یکدیگر دارند، اما تا آنجا که به موضوع بحث ما مربوط است، همگی در فرض مردِ عاقلِ بالغِ سالمِ خودآیین به عنوان فاعل اخلاقی همداستان هستند. در طول تاریخ فلسفه، عقل در پیوند با مردانگی و با عبور از عواطف که هم‌پیوند با زنانگی بوده است مشخص شده (لوید، ۱۳۸۰) و همه این نظریه‌های اخلاقی هم

به اعتراض‌های احتمالی پاسخ دهید

CHAPTER 3 – An Obligation to Resist One's own Oppression 52
An Obligation to Respect Rational Nature 53
What does this Obligation Require? 59
Why the Oppressed have an Obligation to Resist their Oppression 63
Other Accounts 71
The Very Possibility of Obligations to the Self 83
Objection: This is an Obligation to Others, not the Self 88
Another Possibility: This is an Obligation
to Respect Rational Nature *in General* 99
Objection: This Account has things Exactly Backward 103
Conclusion 107

CHAPTER 5 – Imperfect Duties and Why the
Duty to Resist Oppression is not too Demanding 165
Four Objections 166
The Objection from Risk 166
The Objection from Blaming the Victim 169
The Objection from Ought Implies Can 171
The Objection from Supererogation 173
Kant on Perfect and Imperfect Duties 176
The Obligation to Resist One's Oppression as an Imperfect Duty 185
Latitude in Which Action to Take 192
Latitude in Refraining from Action 200
Back to the Four Objections 207
The Objection from Risk 207
The Objection from Blaming the Victim 208
The Objection from Ought Implies Can 211
The Objection from Supererogation 213
Conclusion 218

دغدغه شخصی بدون ادبیاتِ بحث بی‌لنگر است
ادبیات بحث بدون دغدغه شخصی بی‌عمق است

Oxford Biblographies, Philosophy compass, Philpapers
دائره‌المعارف استنفورد
مجله‌های شناخته‌شده
مقالات اخیرتر

Philosophy - Oxford Bibliographies

You are looking at 1 - 20 of 438 items

Sign in
Username
Username
Password
Password
Login
Forgot password?
Don't have an account?
Sign in via your Institution
Sign in with your library card
Sign in

About this Subject

Editor in Chief

Duncan Pritchard

Area Editors

Michael Brady
Otavio Bueno
Alix Cohen

A Priori Knowledge

Albert Casullo

Subject: Philosophy »

Date Added: 2011-06-29

A Priori Knowledge Introduction Questions about the existence, nature, and scope of a priori knowledge have been central to both the historical...

Abduction and Explanatory Reasoning

Igor Douven

Subject: Philosophy »

Date Added: 2019-01-15

Abduction and Explanatory ReasoningIntroductionThe term “abduction” originates in the work of the American pragmatist philosopher Charles Sanders Peir...

Ability

Evan Butts

Subject: Philosophy »

Date Added: 2018-10-25

AbilityIntroductionAbility attribution is a common and important feature of both everyday and theoretical discourse. People are given jobs, picked for...

leiterreports.typepad.com/blog/2022/07/best-general-philosophy-journals-2022.html

المغ The 100 Best You... Pinterest Pinterest Pinterest نقشی از مراسم قربانی... Creative Common... 12 sad violin piece...

So with not quite 1,000 participants, and nearly 90,000 votes on comparisons cast, here are the top 25 (the score in parentheses reflects the odds in a comparison):

1. Philosophical Review (89)
2. Nous (87)
3. Philosophy & Phenomenological Research (86)
4. Mind (85)
5. Journal of Philosophy (84)
6. Australasian Journal of Philosophy (75)
7. Philosophical Studies (74)
8. Philosopher's Imprint (73)
9. Philosophical Quarterly (69)
10. Analysis (65)
11. Synthese (62)
12. Canadian Journal of Philosophy (54)
12. Proceedings of the Aristotelian Society (54)
14. Ergo (51)
14. Erkenntnis (51)
16. European Journal of Philosophy (49)
16. Pacific Philosophical Quarterly (49)
18. American Philosophical Quarterly (48)
19. Journal of the American Philosophical Association (46)
20. Inquiry (40)

Remove everything that has no relevance to the story. If you say in the first chapter that there is a rifle hanging on the wall, in the second or third chapter it absolutely must go off

— *Chekhov*

برای نوشته درباره مساله تراموا لازم نیست از سقراط شروع کنید

تعهد کمتر، نیاز کمتر به دفاع
تعهد کمتر، جذابیت بیشتر ادعا

«روی این مساله زیاد کار شده» را جدی نگیرید

در حاشیه‌ها نمانید

ELIZABETH HARMAN

Creation Ethics: The Moral Status of Early Fetuses and the Ethics of Abortion

There has been considerable discussion of the moral status of early fetuses and the ethics of the choice whether to abort a pregnancy. But one tenable view about the moral status of early fetuses has been regularly ignored. As a consequence, a very liberal view about the ethics of abortion is more attractive than has previously been thought.

(2) For any two early fetuses at the same stage of development and in the same health, either both have some moral status or neither does.

This assumption is left unquestioned not only by all philosophers who write about abortion, but by everyone who discusses abortion.

Claim (2) can be denied. Katherine can keep both of her intuitions while denying the corresponding generalizations. She can take the following view of the moral status of early fetuses:

(3) The Actual Future Principle: An early fetus that will become a person has some moral status. An early fetus that will die while it is still an early fetus has no moral status.

ما در قرن ۲۱ هستیم، چرخ را دوباره اختراع نکنید

باید با ادبیات بحث آشنا باشید

اما نگران مواضع شبیه هم نباشید (فوت‌نت کمک‌تان می‌کند!)

چنان بنویسید که فارسی‌زبانان بفهمند

اصطلاح فنی
پاراگراف‌بندی
تکرار کلمات
خواندن و خواندن

تمرین نوشتن کنید و مدام بنویسد

درباره اهمیت مساله‌ای که روی آن می‌خواهید کار کنید بنویسید
خلاصه‌ای از استدلال یک مقاله را بنویسید
استدلال اصلی‌تان را در فرم مقدمه/نتیجه بنویسید
درباره‌ی اعتراض به استدلال‌تان بنویسید

شما در این آکادمیا هستید، خودتان باید ضعف‌های آموزشی را جبران کنید

در موضوعات اصلی فلسفه کتاب‌های مقدماتی بخوانید

در یادگرفتن «اجندا» نداشته باشید

ترجمه‌ی آزاد نکنید

این مفهوم آگاهی پدیداری نباید با مفهوم ساختار پدیداری آگاهی خلط گردد. ساختار پدیداری آگاهی ضرورتاً با ساختار کیفیتی آگاهی همپوشان نیست، هرچند در نسبت وثیقی با یکدیگر قرار گرفته باشند؛ هنگامی که بحث از ساختار آگاهی می‌شود تمام انواع سازوکارهای موجود در تجربه، به معنای حوزه‌ای از واقعیت که حوزه ظهور جهان در سوژه است، مورد نظر گرفته می‌شوند. البته این ساختار آگاهی شامل وجه کیفیتی این تجربه نیز می‌گردد. هنگامی که هوسرل (۱۹۱۳) از نقش واقعیت زیسته در آگاهی بحث می‌کند، یا کانت (۱۷۸۷) از زمان و مکان به عنوان صور تجربه، یا از خدا، نفس و جهان به عنوان ایده‌های استعلایی و تنظیمی عقل، یا از علیّت و سایر مقولات دوازده‌گانه فاهمه بحث می‌کند، در واقع به ساختار پدیداری آگاهی[AS1] به معنای موسّع کلمه، نه صرفاً وجه کیفیتی آن، نظر دارند (Van Gulick, 2017).

کمی درباره‌ی انتحال

ORGANON F - ARCHIVE
international journal of analytic philosophy

Article/Publication Details

The Epistemological Quest: From the Possibility of Experience to the Possibility of Communication

(Original title: The Epistemological Quest: From the Possibility of Experience to the Possibility of Communication)

Khatami, Mahmoud

Organon F, 2003, vol. 10, No 4, pp. 357-379.
BibTex EndNote Tagged EndNote XML RIS

Document Statistics:

Number of visits: 9,412
Number of visits today: 1
Last visit: 02.09.2023 - 13:08

The paper entitled "The Epistemological Quest: From the Possibility of Experience to the Possibility of Communication" (Organon F, 10, 2003, No. 4, 357-379) published under the name of Mahmoud Khatami was withdrawn from our web page. It turned out that the paper was almost a verbatim copy of another work which appeared as a book chapter written by someone else (Andrew N. Carpenter, "Davidson's transcendental argumentation", in Jeff Malpas, ed., From Kant to Davidson: Philosophy and the Idea of the Transcendental, Routledge, 2003, 219-237).

Plagiarism is widely considered to be a serious crime against both the law protecting intellectual property and the most fundamental ethical principles governing scientific research. Organon F adheres to these principles and does not tolerate any activity which goes against them. Unfortunately, at the time of publication, neither our reviewers nor the editors were able to detect that the paper submitted by Mahmoud Khatami was a plagiarism. Organon F fell victim to an immoral and unlawful act.

We would like to apologize to Andrew N. Carpenter as well as to the readers for circulating the paper.

Khatami's dissertation, "The Unitary Consciousness: Toward a Solution for the Ontological Crisis in Modern Theories of the Self"	
THIS THESIS IS MY WORK AND HAS NOT BEEN OFFERED IN CANDIDATURE FOR ANY OTHER DEGREE OR DIPLOMA Mahmoud Khatami February,1996	
	Islamic Naturalism and Mysticism: A Philosophical Study of Ibn Tufayl's Hayy B Yaqsan (by Sami Hawi)
(p.29) "Sadra, for example, depicts our 'blank' and receptive mind as constituting and perfecting itself, and struggling to obtain far-reaching conclusions entirely on its own. Our progressive ascension, Sadra holds, has a tint of inevitableness and necessity. Seemingly without any preconceived notions we achieve cognisance of causality, God, eternity of the world, and mysticism. It appears as though any mind will reach the same truths if it took as its point of departure the unsophisticated given of experience and followed the canons of consistency. Thus, Alfred North Whitehead's well-known dictum that...."	(p.94) "He [Ibn Tufayl] depicts Hayy's 'blank' and receptive mind as constituting and perfecting itself, and struggling to obtain reaching conclusions entirely on its own. progressive ascension has a tint of inevita and necessity. Seemingly without any preconceived notions he achieve cogniza causality, God, eternity of the world, and mysticism. It appears as though any mind reach the same truths that Hayy reached took as its point of departure the unsophisticated given of experience and followed the canons of consistency. Thus, North Whitehead's well-known dictum tha
(p.33) "The Illuminative school believes, as instanced by Sadra, that while theories may interpret facts, at the same time they abstract from the realities of the surrounding world as we encounter them in the locus of immediate experience. Pure theories, without concrete embodiment and without seeing them in their actual operation, estrange the mind from its natural dwelling place, the world of	(p.101) "Ibn Tufayl believed, as instanced by Part III of the treatise, that while theories ma interpret facts, at the same time they ab from the realities of the surrounding wor encounter them in the locus of immediat experience. Pure theories, without concr embodiment and without seeing them in actual operation, estrange the mind from natural dwelling place, the world of

انتحال کامل

انتحال مستقیم

انواع دیگر انتحال

نقل قول/ترجمه (آزاد) بدون علامت نقل قول - حتی با ارجاع
استفاده از ساختار جملات یا بسیار از کلمات دیگری در پاراگراف
ارجاع اشتباه دادن